

نقشه تحول کجاست

دستگاه‌های اصلی تدبیرکننده فرهنگ در کشور است. بخشی از این دستاورد، واقعا متوجه شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

نکته دوم: امروز نمی‌توان حوزه فرهنگ را بدون برخی از اسناد ملی تصویب شده در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصور کرد. نقشه مهندسی فرهنگی کشور و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از جمله اسناد عالی‌ای هستند که در حوزه فرهنگ تدوین شده است. روی سندهای ملی حوزه موضوعی کار شده که باز هم دستاورد به شمار می‌رود. امروز علی‌رغم وجود نگاه سنگریزی و ضدسند در کشور، واقعا بدون هیچ هدف‌گذاری روشن و داشتن خطوط راهنمای حکیمانه، اجرا به ثمر نمی‌رسد. مساله ما «سند داشتن» نیست بلکه نوعا در «اجرا» است. لذا می‌توانیم با افتخار بگویم تدوین اسناد ملی پایه در حوزه فرهنگ از دستاوردهای شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

در همین حوزه، تدوین سند ملی اصلا کار راحتی نیست. وقتی می‌خواهید هدف‌گذاری دوربرد کرده و مسیر رسیدن به این هدف را ریل‌گذاری کنید، پیچیدگی دارد و متدلوژی و الگوی پیشرفته می‌خواهد. ما این کار را در ایران انجام ندادیم و هیچ کشوری این الگو را در اختیار ما قرار نمی‌دهد. البته اگر قرار هم بدهد، به کار ما نمی‌آید چون هر کشوری الگوی خودش را دارد. بخش جدی از دانش و روش تدوین اسناد عالی و سندهای ملی در ایران، مرهون شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

۴ شورادر دوره جدید پیگیری اجرایی شدن اسناد عالی شده است

اصلی‌ترین ویژگی شورای عالی انقلاب فرهنگی در دوره اخیر را چه می‌دانید؟

خصوصیت ویژه دور جدید، پیگیری اجرایی شدن اسناد عالی است؛ مساله‌ای که دغدغه رهبر معظم انقلاب بوده و مطالبه جدی اهالی فرهنگ و مردم از حاکمیت و شورای عالی انقلاب فرهنگی به شمار می‌رود. در این حوزه، تدابیری داشتیم و واقعا کارهایی نیز انجام داده‌ایم. اجرا شدن یک سند عالی در یک نگاه، وابسته به این نکته است که این سند، مبنای برنامه‌ریزی در کشور قرار بگیرد. چالشی که همیشه داشته‌ایم این بود که سندهای عالی ما چیزی می‌گفتند و نظام برنامه‌ریزی ما چیزی دیگری می‌گفت. این مساله فقط مختص سندهای شورای عالی نبود، بلکه سندی مانند «سند چشم‌انداز» را هم دربرمی‌گیرد. سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی ما باید مبنای تدوین برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالانه قرار بگیرد. به ضرس قاطع می‌گویم در این تبدیل، قوی عمل نکرده‌ایم. شورای عالی انقلاب فرهنگی، کار را فعلا نه دنبال کرده است. در دوره جدید، گفت‌وگوی هدفمند و تعامل پایدار و مستمری با سازمان برنامه و بودجه کشور داشتیم که متکفل رسمی تدوین پیش‌نویس قانون برنامه‌های توسعه و قانون بودجه‌های سالانه است. این تعامل ثمراتی نیز به‌همراه داشته است.

۵ در بحث اجرای سند مهندسی فرهنگی به توافقات مهمی با سازمان برنامه و بودجه رسیدیم

با خودمان گفتیم نقشه مهندسی فرهنگی کشور را نوشتیم و باید اجرا شود. چگونه باید اجرا شود؟ نقشه مهندسی فرهنگی کشور باید مبنای تدوین بخش فرهنگ برنامه توسعه و تدوین لوائح بودجه سالانه باشد. وارد گفت‌وگو شدیم و به توافقاتی خیلی جدی با سازمان برنامه و بودجه رسیدیم و در این میان دو اتفاق رخ داد. اول اینکه فصل هفتم نقشه مهندسی فرهنگی کشور که درباره نگاشت نهادی اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور است، می‌گوید: «باید ستاد هماهنگی و راهبری اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور شکل بگیرد.» وظیفه اول ستاد این است که باید بین نقشه مهندسی فرهنگی کشور با برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالانه ارتباطی برقرار کند. برای این کار در ستاد هماهنگی و راهبری اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور، کمیته تلفیق فرهنگ تشکیل دادیم. در جلسه دوم ستاد راهبری نقشه مصوب شد کمیته تلفیق فرهنگ با ترکیب خیلی چابکی متشکل از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، کمیسیون فرهنگی مجلس، معاون امور علمی، فرهنگی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه کشور و سازمان تبلیغات اسلامی با مسئولیت دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، در دبیرخانه تشکیل شود.

این کمیته باید جاری شدن نقشه در برنامه‌ها را تمهید کند. برنامه هفتم توسعه به‌مدت یکسال عقب افتاد. به‌همین دلیل کمیته تلفیق فرهنگ تصمیم گرفت تمهیداتی بیندیشد تا با دست پر، بخش فرهنگی برنامه هفتم توسعه را آماده کند. برای این تمهید، هشت پروژه تعریف و با محوریت دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و مشارکت دستگاه‌های عضو، پیگیری و اجرا شد. امروز در حال آماده‌سازی برنامه هفتم توسعه هستیم و تدوین بخش فرهنگی این برنامه براساس پروژه‌های هشت‌گانه تمهیدی در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی دنبال می‌شود. این اتفاق خیلی ویژه‌ای در دوره جدید است و پیش‌تر انجام نشده بود.

الگوی پیش‌رفته دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی با سازمان برنامه و بودجه کشور را در قالب یک ماده واحد، دوباره به ستاد هماهنگی و راهبری اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور بردیم. گفتیم ما تا اینجا آمدیم، اگر می‌خواهید از این به

معتقدند «قرارگاه» دارای معنای نظامی است. استراتژی نیز چنین وضعیتی دارد. این کلمه از ادبیات نظامی وارد ادبیات مدیریت شده منتها به‌قدری مفهوم پرقدرتی است که آورده و استفاده می‌کنند. اکنون مکاتب استراتژی و الگوهای مدیریت استراتژیک داریم. درواقع ادبیاتی در مدیریت پیدا کرده، پس نباید به ما ایراد بگیرند. ما مفهوم خوبی داریم که بومی است. ایرادی ندارد اگر کلمه‌ای که در فضای نظامی تولید شده را در فضای فرهنگی استفاده کنیم. «قرارگاه» جایی است که هدف‌گذاری کرده و بعد وضعیت‌سنجی می‌کند. این وضعیت‌سنجی نیز هم‌ناظر به ظرفیت‌ها و فرصت‌ها و هم ضعف‌ها و تهدیدها است. هم بنیه فرهنگی آحاد مردم را می‌بیند و هم مساله تهدید ارزش‌های فرهنگی کشور از سوی فرهنگ بیگانه را نظاره می‌کند. شورای عالی انقلاب فرهنگی، این موارد را توأمان وضعیت‌سنجی کرده و برای رسیدن به اهداف در این وضعیت، طرح‌ریزی می‌کند. این طرح‌ریزی همان سیاست‌ها است و سیاست‌ها نیز طراحی شورای عالی محسوب می‌شود.

۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی در هر ۳ حوزه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرای مباحث فرهنگی ورودی کند

اقدام دومی که شورای عالی انقلاب فرهنگی باید بعد از تدوین سیاست‌ها انجام دهد، چیست؟

شورا بعد از طراحی سیاست‌ها، این طرح‌ریزی را مبنای تقسیم کار و ایجاد فضای هماهنگی و همراهی قرار می‌دهد. شورای عالی بعد از وقوع عملیات فرهنگی، ارزیابی می‌کند طرح‌ریزی تا چه اندازه موثر بوده و اهداف چقدر محقق شده است. براساس میزان تحقق اهداف و همچنین اثربخشی طرح‌ریزی و سیاست‌ها، طراحی جدیدی انجام می‌دهد؛ این معنای قرارگاه است. در ایران با توجه به خطری بودن جایگاه فرهنگ در حاکمیت و فضای عمومی جامعه، کنشگر رسمی حاکمیتی نداریم که مجموعه این کارها را در قالب قرارگاه انجام دهد. طبق تحلیلی که در ابتدا عرض کردم، شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌واسطه هویت حقوقی تعریف‌شده می‌تواند کاملا این کار را دنبال کند. جالب است بدانید نهادهای سیاستگذار، دستگاه‌های برنامه‌ریزی و دستگاه‌های اجرایی نوعا در یک لایه بازی می‌کنند؛ سیاستگذار یا برنامه‌ریز یا مجری هستند. شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه فرهنگ، تنها نهادی است که در هر سه لایه کار می‌کند؛ البته با توجهاتی که ذکر کردم. شورای عالی انقلاب فرهنگی، دستگاه اجرایی نیست و خودش کار فرهنگی نمی‌کند. شورای عالی، نهاد نظارتی به معنای خاص هم نیست. باید به این موارد دقت کنیم.

«قرارگاه» خصوصیتی دارد؛ ماموریت و هدف خودش را از طریق بهره‌گیری از ظرفیت دستگاه‌های دیگر پیش می‌برد. خودش فی‌النبسه ساختاری چابک و فعالی دارد. آنچه به شورا قدرت می‌دهد، جایگاهی است که دارد. این جایگاه به شورای عالی امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های پیرامون را می‌دهد. به‌طور مثال در لایه سیاستگذاری، قانون لازم داریم. شورا در تعامل با مجلس یا دولت می‌تواند کمک کند. شورا می‌تواند به مجلس یا دولت پیشنهاد بدهد تا بحث دنبال شود. این ظرفیت نیز وجود دارد تا مجلس و دولت همراهی داشته باشند.

در لایه اجرایی، شورا می‌تواند مجموعه دستگاه‌ها اعم از مردمی، دولتی، حاکمیتی و نظامی را دور هم جمع کند. تقسیم کار کرده و هماهنگی ایجاد کند. ما هیچ دستگاهی نداریم که چنین کاری انجام دهد. اگر در فضای دولت هم در نظر بگیرید، عموما یک دستگاه فرهنگی این قابلیت را ندارد و درواقع توافقی روی آن وجود ندارد تا بتواند این هماهنگی را بین مجموعه دستگاه‌های فرهنگی دولت ایجاد کند. وقتی به استان‌ها می‌روید، می‌بینید اداره کل ورزش و جوانان کارهایی انجام می‌دهد و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز کار دیگری می‌کند و هماهنگی موردنظر وجود ندارد. یکی از اصلی‌ترین حرف‌های ما، قدرت بسیج‌کنندگی و هماهنگ‌کنندگی شورای عالی انقلاب فرهنگی است. این قدرت جزء عناصر مهم تعریف «قرارگاه» محسوب می‌شود.

۷ نمی‌توان فرهنگ کشور را بدون برخی از اسناد ملی شورای عالی انقلاب فرهنگی تصور کرد

بعد از گذشت بیش از چهار دهه، مهم‌ترین دستاورد شورای عالی انقلاب فرهنگی در حیطه فرهنگ به‌ویژه در دوره اخیر چه بوده است؟

اداره فرهنگی در ایران صیورتنی دارد و مسیر رشدی را طی می‌کند. این اداره فرهنگی توسط مجموعه‌ای از کنشگران اتفاق می‌افتد که برشمردیم. امروز این مجموعه‌ها به شکل هماهنگ‌تری با همدیگر کار می‌کنند و تقسیم کارهای روشن‌تری دارند. یعنی رابطه بین شورای عالی انقلاب فرهنگی با مجلس، دولت، مجمع و دستگاه‌های اجرایی تعریف روشن‌تری یافته و قواعد نانوشته‌موتوری در تنظیم این روابط حاکم شده. حتی در جاهایی قواعد رسمی شکل گرفته است. به‌نظر می‌رسد یکی از مواردی که باید به آن توجه کنیم و دستاورد مهمی محسوب می‌شود، الگوی همراهی و همکاری بین